

نخستین اعلامیه‌ی حقوق بشر جهان

- [۶]. از بین بردن بردگی و برده‌داری.
- [۷]. حق برخورداری از حمایت اجتماعی.
- [۸]. احترام به تمام ادیان و مذاهب.
- [۹]. احترام به حق مالکیت.
- [۱۰]. حق برخورداری از صلح و آرامش. ■

□ کهن‌ترین سند نوشتاری بازمانده از عصر شاهنشاهی هخامنشی، فرمانی است که کوروش در ۵۴۰ پیش از میلاد پس از تسخیر شهر بابل برای اعلام اهداف و سیاست خود صادر کرد که بعدها نخستین منشور حقوق بشر شناخته شد. این سند، بخشی از اصولی بود که کوروش در نظر داشت برای برقراری صلح میان انسان‌ها تحقق بخشد. این بیانیه، بر کتیبه‌ی گلی، به زبان «بابلی نو»، و به خط میخی نوشته شده است که در سال ۱۸۷۹ در نینوی عراق کشف شد و هم‌اکنون در موزه‌ی بریتانیاست.

بازنویسی این اعلامیه‌ی رسمی را که متن دقیق و کامل آن را در **حافظ** شماره‌ی ۶ (شهریور ۱۳۸۳) منتشر کرده‌ایم، در آستانه‌ی جشن باستانی نوروز ۱۳۸۴ مناسب دانستیم؛ بویژه به دلیل استنباط‌های حقوق بشری که از این متن کهن به دست داده‌ایم:

آن‌گاه که من به آرامش و بی‌آزار به بابل در آمدم [۱]، در میان هلهله و شادی، اورنگ فرمان‌روایی را در کاخ پادشاهی استوار داشتم [۲]... بی‌شمار سپاهانم به صلح در بابل گام برداشتند [۳]. روا نداشتم کسی وحشت را بر سرزمین سومر و اکد فرا آرد [۴]. نیازمندی‌های بابل، و تمامی پرستشگاه‌های آنان را پیش دیده داشتم و در بهبود زندگی همگان کوشیدم [۵]. همه‌ی یوغ‌های ننگین بردگی را از مردمان بابل برداشتم [۶]. خانه‌های ویران‌شان را آباد کردم. به تیره‌بختی‌هاشان پایان دادم. [۷] مردوک، مهتر خدای، از کردارم شاد شد، و به من، کوروش، پادشاهی که او را نیایش کرد، و به کمبوجیه، پسر من... و به همه‌ی سپاهیانم، مهربانانه برکت داد، از ته دل، در پیشگاهش، خدایگانی والای او را بس گرامی داشتیم. و همه‌ی پادشاهانی که در بارگاه خود بر تخت نشسته‌اند، در چهارگوشه‌ی جهان، از فرادریا تا فرودریا... همه‌ی پادشاهان باخترزمین که در خیمه‌ها سکونت داشتند، برای من خراج گران آوردند و در بابل بر پایم بوسه زدند. از... تا شهرهای آشور و شوش، آگاده، اشونوا، شهرهای زمبان، مورنو، در، تا قلمرو سرزمین گوتیوم، شهرهای مقدس فراسوی دجله را که پرستشگاه‌هاشان دیرزمانی ویران بود، تعمیر کردم و بیکره‌ی ایزدانی را که میان آنان جای داشتند، به‌جای خود بازگرداندم و در منزلگاهی پایدار اقامت دادم [۸]. تمام مردمان [آواره] را جمع کردم و خانه‌هاشان را به آن‌ها بازگرداندم [۹]... اجازه دادم همگان در صلح بزیند. [۱۰]

استنباط‌های حقوق بشری

- [۱]. لزوم اجتناب از شکنجه و خون‌ریزی.
- [۲]. لزوم اتکاء به مردم در حکومت
- [۳]. اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویی
- [۴]. جلوگیری از ایجاد حکومت مبتنی بر وحشت و اختناق.
- [۵]. تکلیف حکومت به بهبود وضع زندگی مردم و حق برخورداری از مواهب زندگی.

